سیاست و حقوق

حمایت توکلی از احمدی‌نژاد . . . ۴

حق بهداشت؛ تعهد دولت‌ها . . . ۵

سیاست بین‌الملل

جنگ واقعی جنگ رسانه‌ای ۶

تسلیت القاعده برای کشته شدن زرقاوی ۷

سیاست بین‌الملل

استراتژی‌های طالبان در دوره جدید ۸

تجربه فنلاندی ریاست اتحادیه اروپا ۹

احزاب

حمایت جانانه از احمدی‌نژاد و دولت ۱۰

یک سال پس از سوم تیر، در گفت‌وگو با علی ربیعی

پخش رای خاتمی میان احمدی‌نژاد و هاشمی

گروه سیاسی، مجتبی حسینی: به او می گویم بسیاری از اصلاح طلبان و ضد اصلاح طلبان چنین گفته و می گویند که اصلاحات مرد، اصلاحات سرنداشت، توسعه سیاسی، مرگ سیاست ورزی مدرن در ایران را به دنبال داشت. او سری به نشانه تاسف تکان می دهد و می گوید: «این حرف ها، علمی نیست و نشان از ساده‌انگاری های آنان دارد. اصلاحات و اصلاح طلبان دو مقوله جدا از هم هستند که باید گفتمان و خواست گرایی های هر کدام از این دو گفتمان بازتعریف شود.» علی ربیعی مشاور سیدمحمد خاتمی بود و تا چندی پیش مسئول دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، اما این روزها فرصت بیشتری را جهت تدریس درس جامعه شناسی در دانشگاه دارد. او در این گفت‌وگو به تفصیل از تفاوت گفتمان اصلاح طلبانه و تغییرخواهانه جنبش سیاسی توده‌ای در لایه های پایین اجتماع و اصلاح طلبی اصلاح طلبان در قدرت سخن گفت.

■■■

■ «توسعه سیاسی» به عنوان سازه اصلی دولت اصلاحات پس از متن نشینی گروه‌های اصلاح طلب و دوم خردادی، کش و قوس های فراوانی را در عرصه سیاسی ایران به دنبال داشت. اما امروز و پس از انتخابات سوم تیر و حاشیه نشین شدن گفتمان اصلاحات به نظر می رسد که فصل نوسازی و توسعه سیاسی در ایران نیز به حاشیه‌ای نه چندان دلربا و جذاب رانده شده است. سئوال این است که آیا با شکست اصلاح طلبان در انتخابات های اخیر شوراها، مجلس و ریاست جمهوری، گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی نیز با بن بست مواجه شده است و آیا تعابیری همانند اینکه اصلاحات مرد، اصلاحات پایان یافت و . . . تعابیری درست است؟

این تعابیر غیرعلمی و مبتنی بر درک های نارسا و داده‌های خام صورت می گیرد. چرا که برای بررسی این مسئله که آیا اصلاحات در ایران با شکست روبه‌رو شده و گفتمان توسعه سیاسی به پایان رسیده است، باید این مفروض را در نظر داشت که ایران یک کشور جهان سومی در حال گذار است و قضاوت درباره پدیده های اجتماعی و سیاسی در اینگونه جوامع براساس محفوظات و مختصات خاص خود شکل می گیرد.

■ اما خیلی از کشورهای جهان سومی هستند که جامعه در حال گذارند و پروژه توسعه سیاسی را با کمترین ضریب خطا به پیش می برند.

نقطه تمایز ایران با دیگر کشورهای جهان سوم از جهت فرهنگی و سیاسی است. ایرانیان میراث‌دار یک انقلاب هستند و نزاهت گونگی هایی که در انقلاب ها وجود دارد در ایدئولوژی قدرت ایران همچنان پابرجاست. از سوی دیگر مشارکت پیروانه و رفتار تبعی خود فصل ممیز دیگر ایرانیان با کشورهای در حال گذار جهان سومی است.

■ پروژه توسعه سیاسی که پس از انتخابات دوم خرداد ۷۶ پردازش شد آیا با شناخت کافی از این مختصاتش بود که شما به آن اشاره داشتید، فرآیند توسعه سیاسی‌ای که در ایران آغاز شد تا چه اندازه قابل مقایسه با نوع توسعه سیاسی‌ای بود که اروپا و دنیای غرب و به طور کلی جوامع توسعه یافته امروزی تجربه کرده بودند؟

به هیچ وجه مورد ایران با کشورهای اروپایی قابل انطباق نیست.

■ چرا قیاس مع الفارق است؟

به این علت که هم مفهوم توسعه سیاسی یک مفهوم در حال تکوین است و هم اینکه ما هیچگاه دوره‌های تاریخی‌ای را که دنیای غرب برای توسعه یافتگی پشت سر گذاشته است، به چشم ندیده‌ایم. برخی از دوستان روشنفکر ما اصلاً به این امر مهم توجه نکردند که بدون تجربه یک سری از دوره‌های تاریخی نمی توان برخی مفاهیم را در جامعه عملیاتی کرد.

■ اما این دلیل نمی شود که به سمت توسعه یافتگی حرکت نکنیم.

بله، دلیل نمی شود که به این سمت نرویم اما حرف من این است که جامعه سیاسی ایران همانند بچه‌ای است که هنوز دوره‌ای از بلوغ خود را طی نکرده است و ما با این وضعیت بخواهیم یک سری از رفتارهایی را به او آموزش بدهیم و صادر کنیم که مخصوص دوران خاصی است.

■ یعنی اینکه با پیروزی انقلاب ما این دوره‌های تاریخی را پرش و جهش کردیم؟!

دقیقا این مسئله از ویژگی های انقلاب ایران بوده است. ما هیچ گاه یک جریان طبیعی گذار را نداشته‌ایم. البته ایران بارها شاهد رشد فضای سیاسی و حرکت جهش وار توسعه سیاسی بوده است. مشروطیت، تبعید رضاخان در ایران، سال ۱۳۳۲ چنین وضعیتی را می توان دید که جامعه به صورتی آنی و شوک وار انبساطی می شود و همین حالت انبساطی اگر چه برخی از مقاطع تب بازی سیاسی را در جامعه ایران بالا برده است اما به دلیل همان عدم انباشت تجربه دوره‌های تاریخی به راحتی و سریع این تب سرد می شود.

■ در چه حوزه‌هایی باید کسب تجربه می کردیم. چه مسائلی را برای توسعه یافتگی حقیقی سیاسی باید پشت سر بگذاریم؟

ما هنوز در بخش صنعت و اقتصاد یک روش و منش متناسب با خاصیت سرزمینی خود نداریم. کشوری که تمامی درآمد و معیشتش از نفت است و نفت در اختیار دولت و قدرت است و فضای خصوصی در آن راهی ندارد و یا اگر چیزی هم خصوصی شده، به صورت خصوصی، خصوصی سازی شده است، چگونه می توانیم به سمت ساخت نهادهای مدنی گام برداریم. این تناقض ها فضای سیاسی کشور را شبیه کاریکاتور کرده است.

■ چندپارگی فرهنگی و اجتماعی و وجود اقوام مختلف در ایران تا چه اندازه‌ای در سخت تر شدن اجرای پروژه سیاسی در کشور نقش داشته است؟

بله، گستردگی قومیت ها منجر به افزایش وسعت مطالباتی آنان شده است. مطالباتی که هیچ همسانی‌ای با یکدیگر نداشته و نسبت به هم تقدم و تاخر دارند و بازی سیاسی در جوامع چند قومیتی بسیار دشوار است، در حالی که در جوامع تک قومی و یا سه قومی بسیار راحت تر و با سرعت بیشتر می توان به سمت توسعه یافتگی سیاسی قدم برداشت.

■ قانون اساسی ظرفیت پاسخگویی به این تنوع مطالبات قومیتی را داشت؟

ظرفیت قانون اساسی کافی بود اما نتوانستیم از همه ظرفیت های آن استفاده کنیم، البته باید گفت ما جدای از تنوع قومیت ها، یک چندپارگی فرهنگی و شکاف نسلی براثر انقلاب جمعیتی پیش رو داشته و داریم. همین شکاف نسلی و وجود تمایلات مختلف که هیچ نوع همپوشانی با یکدیگر ندارند خود از دیگر موانع بوده است. شکاف طبقاتی نیز یکی دیگر از موانع سیاست ورزی مدرن بوده است و نظام اقتصادی - اجتماعی ما نتوانسته اندازه‌گیری دقیقی از این شکاف طبقاتی داشته باشد و البته این شکاف و فاصله طبقاتی رو به فزونی است. اگر در جامعه‌ای ۸۰ درصد طبقه متوسط، ۱۰ درصد طبقه فقیر و ۱۰ درصد طبقه مرفه باشند، این جامعه، جامعه بسیار آماده‌ای برای پیشبرد توسعه سیاسی است، اما ساخت نخ تسبیح توسعه سیاسی در ایران بسیار دشوار است و با یک نخ نمی توان مهره ها را در کنار هم چید.

■ دوران دوم خرداد دوران علاقه‌مندی مردم به سیاست و سرنوشت خود بود اما هر چه به جلوتر آمدیم از این علاقه کاسته شد تا آنجایی که عده‌ای معتقدند پروژه توسعه سیاسی دوران اشباع شدگی سیاسی در کشور را در این سال ها به دنبال داشت و همین اشباع شدگی منجر به نتیجه انتخابات مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم شد.

این حرف ها سند علمی ندارد. ما نمی توانیم بگوییم جامعه از سیاست اشباع شده است و یا نه، چرا که آیا ما برآوردی از نیاز جامعه در این حوزه داشته‌ایم؟! این اظهارات بیشتر به علت عدم حضور جامعه شناسی در تحلیل قدرت است. جامعه شناسی در ایران مصیبت زده و ترسو است و قدرت هم تمایلی به حضور جامعه شناسی در ساخت قدرت و جامعه ندارد و بیشتر دنبال فیلسوف الملوک می گردد تا هر آنچه ملک می گوید، فیلسوف برایش تفسیر کند. در ایران هیچگاه ما جامعه شناسی تلخ را نداشته‌ایم، چرا که جامعه شناسان حاضر به پرداخت هزینه نبوده‌اند. در حالی که اگر دولت کندی را نگاه کنید، مشاهده خواهید کرد که این دولت در دوران جنگ دوم جهانی از وجود جامعه شناس برجسته‌ای بهره می گیرد و قدرت و جامعه شناسان پیوند نزدیکی با یکدیگر برقرار می کنند و این از خصوصیات جوامع توسعه یافته است. چنین است که بسیاری از اتفاقات و وقایع سیاسی همانند پیروزی احمدی‌نژاد را بسیار نارسا و خام تحلیل می کنند.

■ اگر بخواهیم ببینیم توسعه سیاسی در ایران در چه مختصاتی و در چه جغرافیایی از فضای جامعه و قدرت قرار گرفته است می توانیم به نتیجه انتخاب ها نگاه کنیم، البته همیشه شاهد رفتار سینوسی مردم در قبال تائید و یا تکذیب یک شعار و جریان سیاسی بوده‌ایم، روزی به خاتمی و گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی رای می دهند و روزی دیگر به احمدی‌نژاد و گفتمان عدالت خواهی او، این رفتار جامعه ناشی از چه روحیه‌ای است؟

این رفتارها نشان از نوجویی، نوخواهی و تفسیرخواهی در لایه های پایین اجتماعی دارد و جانمایه اصلی تحولات در بالای قدرت همین تفسیرخواهی و نوجویی جریان پایین اجتماعی یا جنبش سیاسی توده‌ای است که عقبه تاریخی و علائم ظهور آن را بعد از جنگ می توانیم مشاهده کنیم. این جریان تغییرخواه که پایه هایش را با خود حمل می نمود منفک از فضاهای گذشته اجتماعی ایران بود و تحول جمعیتی پس از جنگ نیز به گسترش دامنه این جریان تغییرخواه فرودست اجتماعی دامن زد.

■ این جریان سیاسی توده‌ای دقیقاً از چه زمانی و به طور مشخص تغییرخواهی خود را با رای دادن نشان داد؟

بعد از جنگ علائم پیدایش چنین جریانی بود اما آغاز این تغییرخواهی در انتخابات مجلس چهارم نمود پیدا کرد. جنبش یا جریان سیاسی توده‌ای در این انتخابات جریانی را نفی کردند که شعارهای اقتصاد تنگ را سر می داد و قصد بسترسازی برای مشارکت اقتصادی مردم را نداشت. همچنین در عرصه سیاسی پس از آنکه یکی از عناصر معروف جریان چپ مذهبی در مجلس سوم پیشنهاد داد که ایران در کنار صدام با آمریکا بجنگد، مردم احساس کردند که این جریان می خواهد جنگ جدیدتری را بر روی ملت بگشاید و جریان پایین اجتماعی رای خود به نفی چنین رفتارها و اظهاراتی پرداخت. در همان انتخابات حسینی اخلاق در خانواده و محمدجواد لاریجانی تکنوکرات در تهران رای اول و دوم را می آورند و چهره شاخصی چون ناطق نوری به دور دوم در همان انتخابات می رود و این رای به این معنا نبود که مردم از روحانیون مبارز بریده و به روحانیت مبارز پناه برده‌اند. رای مردم در آن مقطع رای نفی‌ای و نه اثباتی بود. این جریان سیاسی توده‌ای در دوران موسوم به سازندگی که عرصه های اجتماعی تا حدودی گشوده شد، توانست به قسمتی از خواست های خود پاسخ بگوید اما مطلوب این جریان در این دوران نیز فراهم نشد.

■ در نتیجه رای آقای خاتمی هم رای به تغییرخواهی و نوخواهی این جریان بود؟

رای مردم به خاتمی هم منبعث از این احساس بود که دوباره جریانی می خواهد تحمیل شود و اینها را به عقب برگرداند. من در آن مقطع یک تعبیر «نه ملی» به کار بردم. این نه ملی به یک اندیشه و رفتار و گفتار بود و نه یک رای و آری مشخص به یک جناح سیاسی.

■ می توانیم بگوییم در مقطع دوم خرداد اگر شخص دیگری به جای آقای خاتمی بود و شعار و برنامه های ایشان را سر می داد، می توانست رای این جریان را به دست بیاورد، یعنی چهره سیاسی تا حدودی به عنوان یک ملاک مهم برای انتخاب کردن یا نکردن اهمیت نداشت؟

بله، این امکان وجود داشت که اگر شخص دیگری هم برنامه های آقای خاتمی را ارایه می کرد، می توانست رای بیاورد. البته باید گفت کاریزما در کشور ما تا حدی اهمیت دارد ولی تعیین کننده نیست. این برنامه های آقای خاتمی بود که در آن مقطع نوعی همپوشانی با مطالبات در بطن جنبش سیاسی توده‌ای در لایه های پایین اجتماعی پیدا کرده بود.

■ آقای ربیعی شما رفتار مردم در انتخابات های گوناگون را با سطح مطالبات و خواست های لایه های پایین اجتماعی که آن را جنبش سیاسی توده‌ای تعبیر کردید، مرتبط ساختید و می گویید این جریان در بطن اجتماع روند طبیعی و تاریخی خود را دنبال می کند اما جریان اصلاحات هم در سطح بالای سیاسی و نه در میان توده ها به نظر می رسید همین مطالبات را قصد پیگیری داشت که با شکست روبه‌رو شد. تولد جریان سیاسی توده‌ای را به طور مشخص از مجلس چهارم دانستید اما جریان اصلاحات در بالای قدرت و در سطح الیت ها از چه مقطعی شکل گرفت و براساس چه ذهنیتی این جریان ساخته شد؟ آیا جریان سیاسی توده‌ای با رای ندادن به جریان اصلاحات در بالا عامل کند شدن حرکت تاریخی خود نخواهد شد چرا که این جریان و در بالای قدرت لیدری را جهت پیگیری مطالبات نخواهد داشت؟

جریان اصلاحات متولد شده بعد از جنگ است. عناصر این جریان در دوران جنگ همه در خدمت آرمان های انقلاب و استقلال کشور بودند، اما پس از این مقطع به این نتیجه رسیدند که بسیاری از آرمان های انقلاب به علت جنگ با تقدم و تاخر به عقب رفته است و باید این آرمان ها پیگیری شود و به طور مشخص از انتخابات مجلس چهارم که جناح چپ سنتی نتوانست رای بیاورد، گفتمان اصلاحات، جامعه مدنی، توسعه سیاسی و یا هر عنوان دیگری متولد شد. عناصر این جریان قصد داشتند تا آرمان های به‌جامانده و عقب‌مانده انقلاب را متولی گری کنند که البته در مقطع دوم خرداد، بیان اصلاحات اصلاح طلبان در قدرت و جنبش سیاسی توده‌ای به عنوان جریانی اجتماعی یکی شد و همین مسئله باعث شده تا کسانی که قضاوت می کنند با این اشتباه ناشیانه بگویند جنبش اصلاح طلبی و گفتمان توسعه سیاسی در ایران با شکست روبه‌رو شد و به بن بست رسید و اصلاحات مرد. در حالی که اگر در بدبینانه‌ترین حالت بخواهیم اوضاع را تحلیل نماییم، باید بگوییم که این جریان اصلاح طلب در ساختار قدرت بود که متوقف شد و نه جنبش سیاسی توده‌ای در پایین اجتماع. به واقع اتفاقی که در جامعه در حال تکوین است، پیروزی و یا شکست اصلاح طلبان و یا جریان روشنفکری دینی نیست. جنبش سیاسی توده‌ای به عنوان جریانی تاثیرگذار و سرنوشت ساز در حال حرکت است و با پیروزی و یا شکست هیچ یک از جریان‌های سیاسی در بالای قدرت، حرکتش متوقف نخواهد شد.

■ آیا جریان اصلاحات و یا همان لیدرهای پروژه و گفتمان توسعه سیاسی در این هشت سال نمی توانستند چیزی فراتر از خاتمی بسازند تا چنین آرایی در انتخابات سوم تیر به این صورت درنیاید؟

در حقوق دستمزد تئوری‌ای با عنوان «equity theory» وجود دارد که براساس این تئوری، مردم داده ها و ستانده هایشان را مقایسه می کنند و پس از این قیاس، رضایتمندی و نارضایتی عمومی حاصل می شود. ستانده های مردم در دوران دوم خرداد در تبلیغات رسمی صداوسیما و تریبون های نظام به شدت کوچک شمرده شد. البته نباید گفت که چون مخالفین اصلاح طلبان رو به این اقدامات آوردند، اصلاح طلبان با شکست روبه‌رو شدند، اما این عوامل در کند شدن و افت نگاه مردم به اصلاح طلبان بسیار موثر بود. صداوسیما به عنوان دستگاه تبلیغات رسمی کشور همانند یک سازمان عملیات روانی علیه جریان اصلاحات برنامه‌ریزی می کرد و درباره کنفرانس برلین ساعت ها جلسه برگزار شد تا این جلسه چگونه به برخی دادگاه ها همانند دادگاه عباس عبدی پیوند بخورد. من یک زمانی خواهم گفت که چه کسانی برای عباس عبدی نقشه می کشیدند و برای گرفتن احکام قضایی مورد نظر به این در و آن در می زدند. این ناگفته ها یقیناً در موقع مقتضی مورد بحث قرار خواهد گرفت. ستانده های سیاسی مردم از سوی دیگر با چنین رفتارهای پرهزینه و پر از تنشی کوچک شد، اما اصلاح طلبان هم از جریان مذهبی موجود در جامعه که هیچ ارتباطی هم به جریان مخالف نداشت، غافل شدند و این خود بر شکست اصلاح طلبان در ساخته شدن چهره‌ای فراتر از خاتمی در دوران هشت ساله اثر گذاشت. اصلاح طلبان در قدرت به سختی فرصت پیگیری دغدغه های ابتدایی شان را داشتند تا چه برسد به مرحله فراتر از خاتمی. به طور کلی بحث درباره توسعه سیاسی به دولت مرتبط نمی شود و در اینجا نباید حسرت دولت از دست رفته و حسرت دولت به دست نیامده را خورد اما محدودسازی های قانونی و فیزیکی پردازش شده برای دولت اصلاحات خود یکی از دلایل تغییر افق نگاه جریان سیاسی توده‌ای بوده است.

■ رای احمدی‌نژاد در این انتخابات را چگونه تحلیل می کنید؟ رای ۲۰ میلیونی خاتمی در این انتخابات چگونه توزیع شد و اینکه آیا رای احمدی‌نژاد رای همان جریان سیاسی توده‌ای بود و اگر بود این جریان با انتخاب احمدی‌نژاد قصد نفی چه مسائلی را داشت؟

به منظر من ۲۰ میلیون رای خاتمی میان احمدی‌نژاد و هاشمی پخش شد.

■ براساس چه میزانی چنین ادعا می کنید؟

یک جریان سیاسی توده‌ای در پایین جامعه وجود دارد که حرکت تاریخی خود را انجام می دهد و یک سری جریان های دیگری هم در بالای قدرت قرار گرفته‌اند. جریان توده‌ای سیاسی سرنوشت ساز است و جریان سیاسی بالای قدرت که درصدی هم طرفدار دارد، دارای قدرت تعیین کنندگی نیست. جریان قدرت در ایران چیزی حدود ۱۲ الی ۱۳ درصد رای مردم را به عنوان پشتوانه دارد و این رای هم رو به رشد نیست و کاهنده است. این رای همان هفت میلیون رایی است که آقای ناطق نوری در انتخابات دوم خرداد آورد. این واقعیت هم ملموس است که این رای عملگرا و اعتقادی است. در انتخابات نهم ریاست جمهوری رای فوق به همراه رای جریان تغییرخواه اجتماعی، تغییرات را با احمدی‌نژاد خواستار شد.

■ از نظر جامعه شناسی با انتخاب احمدی‌نژاد این جریان تغییرخواه چه چیزی را می خواست نفی کند؟ سطح مطالبات این جریان در چه مرحله‌ای قرار گرفته بود که در شخص احمدی‌نژاد این قابلیت از سوی جامعه نمایان شد؟

رای به احمدی‌نژاد رای اثباتی نبود. فکر می کنم اگر مرحله دوم انتخابات به جز ترکیب احمدی‌نژاد - هاشمی رفسنجانی، ترکیب دیگری داشت، حتما نتیجه آراء به این شکل در نمی آمد. احمدی‌نژاد با طرح شعارهایی همانند اینکه «اینها باید بروند»، بسیاری از آرای جریان سیاسی توده‌ای را کسب کرد. البته لایه های پایین جامعه به این مسئله فکر نمی کردند که جایگزین اینهایی که باید بروند، چه کسانی هستند. رای احمدی‌نژاد، رای تغییرخواهی بود. اگر آرای تغییرخواهان را منهای آرای ۱۲ الی ۱۳ درصدی جریان سنتی در نظر بگیرید، رای همان تغییرخواهان لایه های فرودست اجتماعی است. در نتیجه نمی توانیم بگوییم این جریان از بین رفته است. به این نکته هم اشاره کنم که به نظر من اگر فضای سیاسی کشور، فضای جنگ و تحریم نباشد، ساختار انتخابات بعدی و ماحصل آرای جریان توده‌ای تغییرخواه، هرگز همانند چینش امروز نخواهد بود.

■ با این توصیف به نظر می رسد که جنبش سیاسی توده‌ای را باید جزیی تر نگاه کرد تا هر چه بهتر نوع مطالبات و مطلوبات آن شناخته شود. این جریان را که به نظر شما گفتمان توسعه سیاسی را در بطن خود به پیش می برد چگونه تقسیم بندی می کنید؟ آیا این جریان دارای یک سری از خواست های مشخص است و یا اینکه خود این جریان هم متشکل از چند لایه اجتماعی است؟

تغییرخواهان در کشور دو نوع هستند، بخشی از این جریان، تهیدستان تغییر خواهند که حبس نوخواهی و تغییرخواهی آنان در حوزه مسائل اقتصادی و معیشتی است و بخش دیگری از این جریان در طبقه دوم سلسله مراتب نیازها قرار گرفته است که تغییرخواهی در رفتار اجتماعی - سیاسی همانند احترام، حقوق شهروندی، آزادی بیان، مشارکت خواهی و . . . . از مهمترین این نیازهاست. این جریان تغییرخواه اجتماعی به‌رغم تفاوت نیازها، ترکیبی عمل می کند و سرنوشت هر انتخاباتی بستگی به نوع نگاه این جریان دارد. منشاء رای به احمدی‌نژاد تغییرخواهی معیشتی و اقتصادی بود اما اگر دولت نهم این رای را به خواست های موهوم و تخیلی گره بزند، یقیناً اتفاقات دیگری در آینده عرصه سیاسی رخ می دهد.

■ آقای ربیعی جریان و جنبش سیاسی توده‌ای یک زمانی تغییرخواهی را در بالای قدرت، همسو و هماهنگ با برنامه های خاتمی می بیند و به او رای می دهد اما شما از سوی دیگر می گویید رای به احمدی‌نژاد هم رای به تغییر خواهی است. ساخت و ساحت فکری و ذهنی سیاسی احمدی‌نژاد و خاتمی همانند دو خط جدای از هم است که ذره‌ای همپوشانی با یکدیگر ندارند و هرگز به هم نمی رسند، یعنی جریان تغییرخواه هم مطلوب خود را نیافته و نمی شناسد و این انتخاب ها تنها بر اثر نوخواهی و تغییرخواهی است؟

حاصل توسعه سیاسی صوری و دموکراسی بدلی عدم قاعده‌مندی چنین رفتارهایی است که به آن اشاره می کنید. به همین علت هم است که سنجش های سیاسی در ایران اغلب با شکست مواجه می شود.

■ این مسئله چه تهدیدی را برای کلیت نظام سیاسی می تواند در پی داشته باشد؟

مدت هاست که حرف ما با پیشاهنگان ساختار سیاسی نظام این مسئله است که اگر ظرفیت سازی سیاسی نکنید و به فرهنگ سیاسی و قاعده‌مند کردن مشارکت سیاسی نپردازید، ممکن است روزی کسی بیاید و با اختلاف بسیار زیاد خاتمی و احمدی‌نژاد را پشت سر بگذارد. حتی این احتمال وجود دارد که بحث ساختارشکنی مطلق را هم مطرح کند و این جریان تغییرخواه به دلیل فقدان نهادهای واسط، پشت او قرار بگیرد. طلب شرکت سیاسی از مردم فقط برای کسب مشروعیت و رأی، منجر به زایش پیدایش منجی های ناشناخته می شود که من مدت هاست آژیر خطر این تهدید را کشیده‌ام. منجی ناشناخته یک زمانی خاتمی می شود و زمانی دیگر احمدی‌نژاد، اما به هیچ عنوان معلوم نیست این منجی ناشناخته در آینده چه کسی و با چه مشی و منشی خواهد بود. منجی های ناشناخته همیشه برای نظام سیاسی ما مطلوب نخواهد بود. از دیگر سو نباید فکر کنیم با قاعده‌مندی ها و مراقبت های خاصی نظیر شورای نگهبان این تهدید قابل کنترل است.

■ نهادهای واسط همانند سندیکاها، اتحادیه ها، نهادهای صنفی و احزاب چه نقشی را در منظم کردن خواست های این جریان توده‌ای سیاسی می توانند داشته باشند و اینکه این نهادهای واسط چه کارکردی در ظرفیت سازی و فرهنگ سازی سیاسی می توانند داشته باشند؟

حاکمیت در ایران همواره علاقه‌ای به ساخت و تثبیت نهادهای واسط نداشته است چرا که همواره علاقه‌مند رابطه مستقیم با توده ها بوده است.

■ چرا تحمل نهادینه شدن احزاب و دیگر نهادهای واسط در کشور از سوی حاکمیت با مخالفت روبه‌رو می شود در حالی که تمامی جوامع توسعه یافته و دموکرات براساس این نهادها پایه گذاری می شوند؟

به این علت که معمولاً نهادهای واسط، سطح مطالبات مردم را بالا می برد. دولت ها در دوران بعد از قاجار به این سمت همواره خواهان نوعی مشروعیت گرفتن و حمایت مستقیم از توده ها بوده‌اند، حتی اگر موفق هم نمی شدند، کارکرد و نقش پذیری‌ای را برای این نهادها و مراجع واسط قائل نمی شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز و گذر از سال های اولیه انقلاب، کشور دوباره با نوعی مشروعیت سازی توده‌ای روبه‌رو می شود. این حلقه میانه و واسطه میان حاکمیت و مردم، خود انقلاب شده است، اما همیشه ماندگار نیست. باید به فکر دوران ترمیدوری انقلاب بود، روزی که علل وجود انقلاب پاسخگوی نیازهای جامعه نیست در حالی که با وجود نهادهای واسط همچنان می توان رفتار توده وار را در مواقع ضروری در پیش گرفت.

■ ضرورت نهادسازی سیاسی چه زمانی برای حاکمیت و دولت به وجود می آید؟

وقتی که دولت نیاز همه جانبه‌ای در همه زمان ها و مکان ها به مردم داشته باشد، در حالی که دولت، امروزه فقط در صندوق رای و تظاهرات توده‌ای به مردم نیاز دارد و این تعبیری که شما داشتید که انتخاب های مردم همچون موجی سینوسی است که باز نمی ایستد به دلیل عدم وجود ظرفیت های ضروری سیاسی در ایران است. حاکمیت بیشتر رابطه تابع و پیرو دولت را می پسندد.

ادامه در صفحه ۴

شرکت یادمان سازه

آگهی مزایده
شرکت یادمان سازه

این شرکت در نظر دارد آهن آلات مستعمل و مازاد بر نیاز خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

قیمت پایه از قرار هر کیلوگرم ۱۹۹۵ ریال می باشد.

متقاضیان می‌توانند ظرف مدت (۴ روز) از تاریخ ۸۵/۴/۴ لغایت ۸۵/۴/۷ آهن آلات را بازدید نموده و در صورت تمایل در قبال پرداخت مبلغ (۲۰۰/۰۰۰ ریال) اوراق شرایط مزایده را از امور پشتیبانی، دریافت دارند.

سایت شهرداری تهران: WWW.iranets.ir
سایت شرکت یادمان سازه: WWW.yadman.ir
نشانی: تقاطع بزرگراه همت و شیخ فضل ا... نوری، جنب مرکز انتقال خون، برج میلاد.

شرکت یادمان سازه

تورهای تابستانی

آمازون(برزیل) - جزایر رویایی موریس - مجارستان - ویتنام - سوئیس - کوبا - هنگ کنگ
جزایر قناری(اسپانیا) - ایتالیا - فرانسه - انگلستان - یونان - اطریش - آلمان - هلند - پرتغال - بلژیک
لرگزامبورگ - استرالیا - روسیه - چین - تایلند - مالزی - سنگاپور - جزایر بالی - ترکیه

*سفری رویایی با کشتی مجلل STAR CRUISES استار کروز
* با درخواست تلفنی بروشور رایگان ارسال می شود

تعطیلات: تجریش ابتدای شریعتی، شماره ۱۹۰۲ — ۲۲۷۱۰۱۹۱ - ۲۲۷۱۷۱۷۹
سیاره توریستی: میدان قائمی، ساختمان قائمی — ۸۸۹۵۴۳۴۵-۷ - ۸۸۹۷۴۰۰۵-۶
گالیور: میرداماد مقابل برج آرین ۱۹۹ — ۲۲۲۲۳۴۱۳ - ۲۲۲۲۶۲۳۵
کیان: خیابان قائم مقام فراهانی ۸۹ — ۸۸۸۴۱۱۲۸-۹ - ۸۸۸۳۰۳۵۲

با همکاری:
نامهائی آشنا و معتبر در صنعت جهانگردی
تورهای برتر
پیشتازان

نیازمندیهای شرق
انتخاب اول
آگهی خود را به روز بخوانید
تا ساعت ۲ بعدازظهر دریافت آگهی
انتشار روز بعد